

## گزارش مکتوب شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر

دوازدهمین نشست شورا در روز شنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۹۰ ساعت ۱۵ با حضور اعضا آغاز گردید. شرکت کنندگان:

آقای دکتر شبیری زنجانی (استاد دانشگاه و رئیس کارگروه نظام حقوقی مالکیت فکری)  
آقای آخوندی (رئیس هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتب مذهبی)  
آقای فروغی (عضو هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتابهای آموزشی)  
آقای موسایی (انتشارات فرهنگ معاصر)  
آقای شاوردی (نماینده انجمن ناشران ورزشی)  
آقای دکتر کفاشی (عضو هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی)  
آقای رحمانی (نماینده اداره کل مجامع فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)  
آقای حسینی نیک (مدیر مسئول دفتر مطالعات و خدمات حقوقی - رئیس شورا)

بعد از قرائت قرآن کریم، مذاکرات شورا به شرح زیر آغاز گردید:

### موضوعات مورد بحث:

- ۱- بحث و بررسی پیرامون برگزاری سمینار نقد لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در زمان محل بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و تهیه مقدمات لازم برای تشکیل جلساتی تخصصی و توجیهی با وزیر، معاونت فرهنگی و معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- ادامه بررسی لایحه

در خصوص لزوم برگزاری جلسات نقد و آشنایی با مهمترین لایحه مربوط به حوزه فرهنگ بحث هایی صورت گرفت که به نظر اکثریت، بهترین زمان برای نقد و ارائه پیشنهادات و انتقادات از لایحه مذکور و همچنین آشنایی ناشران، کتابفروشان، پدیدآورندگان و دیگر دست اندرکاران حوزه فرهنگ، موعد برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب بوده که قرار شد طی نامه ای پیشنهاد مذکور خدمت معاونت محترم فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس نمایشگاه تقدیم گردد. در صورت موافقت، اقدامات بعدی صورت خواهد گرفت.

تنوع اصلاحات و الحاقات لایحه، تعدد متولی یا دستگاه مسؤول در خصوص تهیه و ارائه لایحه به دولت، سرعت و عجله برای نهایی کردن و ارائه لایحه و دیگر موارد اینچنینی از دلایلی است که اعضای شورا لازم دانستند جلساتی را با مقام عالی وزارت و همچنین معاونان محترم فرهنگی و حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشند.

## اما ادامه بررسی لایحه:

موضوع جلسه دوازدهم، نقد و بررسی مواد ۷۷ و ۷۸ لایحه بود: ماده ۷۷: پس از تکثیر اثر، ناشر ملزم است نسخه اصلی اثر را باز گرداند. آنچه مسلم است این موضوع دارای سابقه‌ای در قوانین گذشته ایران نبوده در هر حالی که این موضوع علاوه بر اهمیت آن در حوزه کتاب، در حوزه آثار هنری بیشتر نمود پیدا می‌کند. از آنجا که مواد لایحه به حوزه‌های مختلف ادبی و هنری مربوط می‌شود، ارزش مادی و معنوی نسخه اصلی اثر ایجاب می‌نماید تا مورد توجه قانونگذاری قرار گیرد.

اگرچه در آثار مکتوب می‌توان راه‌های مانند نگهداری کپی از اصل نسخه در نزد پدیدآورنده و حاکم بودن قواعد عمومی حقوقی بر استرداد نسخه اصلی را مورد توجه قرار داد لیکن ورود این معنا در قانون و ایجاد لزوم برای محفوظ ماندن نسخه اصلی در نزد پدیدآورنده می‌تواند برای این موضوع گامی مثبت تلقی گردد. در این خصوص می‌توان هدف از انشاء این ماده را به چند بخش تقسیم کرد و به تبع آن، الفاظ ماده را تغییر داد. الف: قرارداد نشر مستلزم انتقال مالکیت نسخه اصلی اثر نیست.

واضح است که ناشر یا هر شخص غیر پدیدآورنده می‌تواند نسخه اصلی را نیز مورد معامله قرار داده و خرید و فروش نماید و فی الواقع این موضوع نیز از جمله حقوق مادی پدیدآورنده محسوب می‌گردد اما به صرف قرارداد نشر (تکثیر و پخش) نمی‌توان پدیدآورنده را از داشتن و نگهداری نسخه اصلی اثرش محروم ساخت. دلایل این امر یکی از جهت معنوی است که پدیدآورنده رابطه عاطفی و معنوی خاصی با اثر مخلوق خود ایجاد کرده و اگر چه دیگران از احساس وی نسبت به اثرش هیچگونه درکی نداشته باشند اما او آن را ارزشمند می‌داند.

ثانیاً از جهت فنی و اجرایی احتمال نیاز مجدد به نسخه اصلی اثر بخصوص در آثار هنری وجود دارد که پدیدآورنده برای تجدید قرارداد با ناشر یا قرارداد با ناشر جدید در صورت از بین رفتن یا ضعیف شده فیلم یا زینگ و امثال آن، نیاز پیدا خواهد کرد.

ثالثاً معمولاً نسخه‌های اصلی آثار منتشر شده بعد از گذشت زمان دارای ارزش مادی ویژه‌ای نیز می‌گردند مانند عتیقه چنانکه در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا، این نسخه‌ها با قیمتی بسیار گزاف به حراج گذاشته می‌شود. ب: بعد از رفع نیاز ناشر برای انتشار، نسخه اصلی باید به صاحب اثر باز گردانده شود.

نکته این بند آن است که عوض تعیین زمان و مهلت بازگرداندن، رفع نیاز را پیشنهاد کردیم تا به عرف واگذار شده باشد و در انتها با فعل مجهول گفتیم تا لزوم درخواست صاحب اثر یا لزوم پیگیری ناشر برای تحویل نسخه اصلی با پدیدآورنده را مورد حکم قرار نداده باشیم.

ج: در این ماده ضمانت اجرای خاصی قید نگردیده و بطور طبیعی قواعد عام حقوقی حاکم است.

نکته آخر آنکه انواع نسخه اصلی اعم از نسخه مکتوب، دیجیتالی، لوح فشرده و... می‌باشد.

ماده ۷۸: قرارداد نشر بدون موافقت کتبی پدیدآورنده قابل انتقال به اشخاص ثالث نیست. ابتدا باید روشن شود پدیدآورنده برای انتشار اثرش به چه چیزهایی توجه می‌کند؟ شایع‌ترین مورد، ناشر و برند و تخصص آن است، گاهی نیز شخصیت صاحب امتیاز یا مدیر مسؤول انتشارات و احیاناً ملیت یا محل دفتر ناشر و امثال آن می‌تواند باشد. به هر حال، قانونگذار باید در این خصوص، حمایتی را از پدیدآورنده به عمل آورد.

از سوی دیگر، محدود کردن صحت و اعتبار قرارداد به بقای ناشر و بخصوص مدیر مسؤول و امضاء کننده قرارداد می تواند همه سرمایه ناشر را در مواردی از قبیل فوت شخص حقیقی و مشکلات مالی برای اشخاص حقیقی و حقوقی، بر باد رفته و متزلزل دانست. حتی بدون بروز مشکلات فوق الذکر، به نظر می رسد ناشر باید بر اساس قواعد عمومی حقوقی بتواند با حقوق مادی مکتسبه ی خود مانور داده و حرکت های اقتصادی ایجاد کند، مانند اینکه اثری را که دارای حقوق مادی آن است، را با سود مناسب به دیگری واگذار نماید.

ماده ۷۸ باید بتواند این تضاد منافع را رفع کرده و راه حلی مناسب را ارائه کند.

البته موضوع این ماده برای ناشران با شخصیت حقوقی سهل تر از ناشران حقیقی است.

به نظر می رسد در صورتی که بتوان از یک طرف حقوق پدیدآورنده را برای انتخاب ناشر و عدم تغییر آن بدون اجازه وی، محفوظ داشته و از سوی دیگر طرف پدیدآورنده را ناشر (برند نشر) اعم از حقیقی یا حقوقی بدانیم، مشکلات فوق الذکر برطرف خواهد شد.

بحث در خصوص این ماده با توجه به اهمیت آن به جلسه بعد موکول شد تا با دقت و توجه بیشتر، اعلام نظر گردد.

دبیرخانه شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر